

آیت‌الله

آیت‌الله

آیت‌الله

امروز چهلمین روز درگذشت مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین استاد داود فیرحی، آزاداندیش حموزوی و استاد تمام دانشگاه تهران است. وی که خود نمونه یک نواندیش دینی در عین پایبندی به اصول و موازین اجتهاد شیعی بود، آخرین برگ از کارنامه فکری – سیاسی این اندیشمند و سیاستمدار رفسنجانی را طرح «آزاداندیشی دینی» می‌دانست که حاصل عمر ایشان هم محسوب می‌گردد. فیرحی در نخستین سالگرد رحلت آیت‌الله هاشمی، در سال ۱۳۹۶ در دلنوشته‌ای در این باره به زیبایی قلمی کرد که در چهلمین روز درگذشت وی نیز در آستانه چهارمین سالگرد رحلت آیت‌الله هاشمی باز نشر آن مفید خواهد بود.

در آستانهٔ نخستین سالگرد ارتحال آیت‌الله هاشمی رفسنجانی(۱۳۹۵/۱۹دی/۱۳۹۵)، اشاره به آخرین برگ از کارنامهٔ فکری – سیاسی این اندیشمند و سیاستمدار روحانی شاید اهمیت زیادی داشته باشد. هاشمی

<div><div> </div><div>* کمتر شخصیتی پیدا می‌شود که این چنین جامع اضداد و فضایل باشد و چنان جاذبه و دافعهٔ گسترده‌ای برانگیزد. شخصیتی پیچیده، منشوری و چندبُدی که شناخت و داوری درباره‌اش، نیاز به گذر زمان و عبور از «حجاب معاصرت» دارد</div></div>

شخصیتی چندجانبه داشت؛ روحانی انقلابی که ارزش مبارزه و طعم زندان و شکنجه را چشیده بود. شاگرد، دستیار و معتمد رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی، از مدیران و رهبران برجسته جنگ هشت ساله ایران و عراق، رئیس مجلس قانونگذاری، مؤسس دانشگاه آزاد اسلامی، رئیس جمهور، و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام بود.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، در تاریخ معاصر ایران جایگاه ویژه‌ای دارد. کمتر شخصیتی پیدا می‌شود که این چنین جامع اضداد و فضایل باشد و چنان جاذبه و دافعهٔ گسترده‌ای برانگیزد. شخصیتی پیچیده، منشوری و چند بُعدی که شناخت و داوری درباره‌اش، نیاز به گذر زمان و عبور از «حجاب معاصرت» دارد. نکته‌ای که خود او توجه زیادی بدان داشت و همیشه از «داوری تاریخ» در آینده دور و نزدیک سخن می‌گفت. لیکن، آخرین ندغه و اقدام نامتوم او، «مسئلهٔ آزاداندیشی دینی» و تلاش در نهادیگی و توسعهٔ این اندیشه و نهاد نوپا بود. وی بعد از عمری تجربهٔ مبارزه، زندان، ادارهٔ جنگ، قانون گذاری و مسئولیت‌های اجرایی در سطح ریاست جمهوری، به این نتیجه رسیده بود؛ «تنها منطبق آزاداندیشی است که مسلمانان را به یک تمدن عظیم در دنیا مبدل می‌سازد». وی می‌گفت؛ من از حاکمیت تحجّر نگران هستم. باید آزاداندیشی حاکم باشد؛ باید آزادی بیان و آزاداندیشی واقعی در چارچوب قانون در جوامع حاکم باشد و بگذارند صاحب‌نظران به ارائه نظرات و دیدگاه‌های خویش بپردازند؛ چرا که از بطن اندیشه آزاد و اظهارات آزادانه، توسعه و پیشرفت حاصل می‌شود. جمود فکری مشکل جدی در جامعه است و باید زمینه‌ای فراهم شود تا فضای بسته در دانشگاه‌ها باز شود. اگر بخواهیم نسل آینده معارف اسلام را بفهمد و تکمیم و تنگ‌نظری‌هایی را که بر جامعه تحمیل شده است، بشکستیم باید از آزاداندیشی و آزادگفتن حمایت کنیم. این اشارات، حاکی از آخرین تجربهٔ زبستهٔ هاشمی، اندیشه پایانی و لاجرم «حاصل عمر» آیت‌الله بود و سرانجام به تأسیس «شورای عالی آزاداندیشی دینی» انجامید. چیزی که در زمان اصحاب دانش و تجربه، به «آواز قوی» به نام انسان اهل اندیشه و عمل تعبیر می‌شود. در این مقاله به اختصار به نکته اشاره می‌پردازیم. مسئلهٔ آزاداندیشی، و تلاش هاشمی رفسنجانی در این باره.

آیت‌الله

آیت‌الله

در بخش گذشته این مجموعه بیان شد که آخرین طرح کلانی که ذهن و عمل مرحوم آیت‌الله هاشمی را در گیر کرده بود، طرح «آزاداندیشی» بود که وی آن را عامل تدوام جمهوری اسلامی می‌دانست. به این نشان که وی در سال‌های پایانی عمر با برکت خود، در سخنرانی‌های متعدد این موضوع را مطرح کرد، کرسی درس آزاداندیشی در دانشگاه آزاد اسلامی تدارک دید، مقدمات برگزاری یک همایش بزرگ آزاداندیشی دینی را فراهم ساخت و حتی در صدد بر آمد پژوهشکده مستقلی در این زمینه تأسیس نماید. از جمله اقدامات ایشان در این زمینه، چاپ مقاله‌ای تحت عنوان «آزاداندیشی اسلامی و روشنفکری دینی» است که در سال ۱۳۸۸ در شماره ۱۴۸–۱۴۹ مجله وزین حوزه به چاپ رسیده است. برای آشنایی اجمالی با این طرح عظیم فکری آیت‌الله هاشمی، بخش‌های گزینش شده‌ای از این مقاله در چند شماره تقدیم خوانندگان گرامی می‌گردد، با این توضیح که اصل مقاله، علمی و پژوهشی و دارای مستندات فراوان می‌باشد و محققان برای دسترسی به تمام مقاله و مستندات آن، به مجله حوزه مراجعه نمایند. دوشنبه گذشته بخش این مجموعه ارائه شده و اینک بخش دوم:

اثار آزاداندیشی اسلامی

مجموعه آنچه از دستاوردهای علمی و فنی در دو سه قرن بهار تمدن اسلام آورده شد، محققا ریشه در آزاداندیشی مسلمانان دارد و خود آزاداندیشی‌شان هم ریشه در تعلیمات قرآن و سنت دارد که نمونه‌های آن در اهتمام به عقل و فکر و توجه به نظرات دیگران و تشویق اقتباس است «فیشر عبادالذین یستمعون القول فیتبعون احسنه» و «اطلبلوالم علم و بالصلین». تا این سعه صدر و رویحیه مهم اسلامی و اهمیت ادامه داشت، مسلمانان مرکز جذب دانش و دانشمندان و تولید علم و فن بودند و تمدن‌شان درحال ارتقاء و تعمیق بود و قدرتی دیگر در جهان وجود نداشت که هم‌سنگ و رقیب آنها باشد. این میراث عظیم اسلامی رفته رفته دچار ضعف خودخواهان و میراث‌بران طمّاع در بخشهای مختلف جهان



آیت‌الله رفسنجانی و مسئله آزاداندیشی

چنان که گذشت،آزادی، آزاداندیشی و نسبت دین و تمدن با این دو، اهمیت زیادی برای هاشمی رفسنجانی پیدا کرده بود و در اواخر عمر بیشتر بدان می‌اندیشید. وی در گفتگویی با شبکه چهار سیما(۱۳۸۷/۳/۲۷) نگرانی از بازگشت تحجّر با پوششش دینی را مطرح کرده بود. چنین می‌نماید که او به دو نوع از تحجّر می‌اندیشید و نظر داشت؛

الف) ترویج خانه‌نشینی سنتی و انزوی روحانیت از عمل سیاسی از یک سوی،

ب) تصرف قدرت سیاسی و نفی جایگاه مردم در دولت ازسوی دیگر.

اگر هاشمی رفسنجانی در دورهٔ انقلاب و دههٔ اول جمهوری اسلامی بیشتر به نوع اول از تحجّر نظر داشت، در دههٔ چهارم بیشتر نگران نوع دوم از تحجّر بود؛ اندیشه‌ای که به نام دین به نفی حاکمیت ملی و انکار نقش مردم در حکومت می‌پردازد. وی در همین گفتگوی بالا می‌گوید:

راهی که دین ما، پیش روی ما گذاشت این است که مردم باید حاکم باشند. از طریق مردم باید به اینجا برسیم. خود پیغمبر هم، به همین شکل عمل کرد. پیغمبر که قدرت شقّ‌القرم داشت، می‌توانست همه را خاضع بکند. ولی صبر کرد و پس از اینکه یکی یکی مردم جمع شدند، بیعت کردند، قبول کردند و اطاعت کردند، قرارداد بست و حکومتش را آغاز کرد. علی‌بن‌ابیطالب(ع) وقتی که مردم نیامدند، به خانه رفت و کشاورزی کرد. این مسئله قابل بحث و اثبات است. اگر بحث تاریخی کنیم، قابل اثبات است.

هاشمی بر وجود و تدوام اندیشه تحجّر در مجامع مذهبی اشاره کرده و افزود؛ «همین حرف‌ها بود. هنوز هم همین تفکرات وجود دارد. یعنی در حوزه هست. در بین مقدسین هست. الان مرید بازی حوزوی منتقل به میدان سیاست شده است. یعنی عوام‌زدگی خیلی بیشتر از زمان گذشته است. واقعا اسلام این اجازه را به ما نمی‌دهد، این کفران اسلام است. اصلا انبیاهی که می‌خواهند مردم را ناآگاه بار بیاورند، از دیدگاه قرآن مناقب هستند». وی با این ملاحظات دوگانه دربارهٔ تحجّر در جامعه امروز ایران می‌گوید:

بله، خطر رجعت به انزوا [و استبداد دینی] وجود دارد… فکر می‌کنم، وظیفه روشنفکران، علماء،دانشگاهیان، حوزوی‌ها و رسانه‌ها، این است که در این مسئله خیلی جدی کار کنند. خودم شروع کردم. البته همیشه می‌گفتم، اما این دفعه جدی شروع کردم. علت آن هم این بود که نامه‌ای از مجله حوزه به من رسید، و همین نکته‌ای را که الان شما دارید می‌گویید، یعنی احساس خطر پدید آمدن تحجّر را، ابراز کردند و از ما خواستند مطلبی در این رابطه، بنویسم. من هم نستسم متنی را تهیه کردم و آماده شد که تحت عنوان روشنفکری دینی یا آزاداندیشی دینی می‌باشد.انشاءالله به‌زودی برای چاپ می‌دهم. اصلا عین این بحث شاست.

متن فوق، با عنوان «آزاداندیشی اسلامی و روشنفکری دینی» در شماره ۱۴۸– ۱۴۹ مجله حوزه به سال ۱۳۸۷ منتشر شد. هاشمی در مقدمه این مقاله بلند، هدف نوشته را ارائه «راهکارهایی برای مقابله با تهدیدهای ریشه‌دار و موریانه‌وار تحجّر و سکولاریسم، و استکبار و تهاجم فرهنگ» اعلام کرده بود. وی در بخش نخست مقاله، با اشاره به برخی اوصاف روشنفکران و دیدگاههای موافق و مخالف می‌نویسد؛

«رایس اساس، تعریف جامع و مانعی برای روشنفکری دینی سراغ ندم؛ ولی بانوجه به توصیفهای موجود می‌توان گفت: مصداق خوب روشنفکر دینی، فردی باشد که ازسویی با دلیل و همراه اعتقاد و تعبّد، اسلام را جوهری پایدار و جوابگوی ابدی نیازهای روز

حوزه دوره سوم – ۴۸۱

آزاداندیشی دینی آواز قوی هاشمی

مقاله‌ای از دکتر داود فیرحی درباره آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در مراسم گردهمایی در تهران، شهریور ۱۳۹۵

هر زمان و مکان بداند، و ازسوی دیگر، قادر به شناخت واقعیات و نیازهای جوامع زمان خود باشد؛ اگر فاقد رکن اول باشد، دینی نیست و اگر رکن دوم را نداشته باشد، روشنفکر نیست. البته در هر زمانی چنین مصادیقی، زیاد نخواهند بود.» این مقاله، چند سال بعد با همین عنوان «آزاداندیشی اسلامی و روشن‌فکری دینی»، در قالب کتاب هم به چاپ رسید.

به هر حال، هدف از آزاداندیشی این است که اندیشه هر آزادی بینجامد؛ ولی، همواره چنین نیست که آزادی



اندیشه پیش شرط آزادی اجتماعی باشد، بلکه شاید این نکته نیز درست است که؛ گاهی هم آزادی اجتماعی پیش شرط آزادی اندیشه است. بدین سان، آزاداندیشی و آزادی اجتماعی، بی‌آن که نسبتی یک سویه داشته

<div><div> </div><div>*هاشمی مرد اندیشه و عمل بود؛ اهمیت کار او این بود که هر عملی و اقدامی را به محک نظر می‌سنجید و برعکس، با هر ایده‌ای که مواجه می‌شد به چگونگی عملیاتی شدن و ساز و کار اجرای آن می‌اندشید</div></div>

ابتدا به درخواست و برای مجلهٔ "حوزه" نوشته است، چنین می‌آورد؛ «درخواست دارند مقاله‌ای درباره بنیان روشنفکری دینی که سرمایه‌باندگی در مبارزات، پیروزی و تدوام انقلاب اسلامی ایران است، و فریادگر و منادی می‌کنند؛ «تاچاریم که با آرای مردم کار کنیم. ولی باید مردم را آنچنان بار بیابوریم که آنها عوام نباشند. ممکن است ما اینها را عوام کرده باشیم، یعنی حرف‌هایی که به اینها گفته می‌شود، حرف‌های بی‌منطق و رویه‌های غیرعقلانی باشد. اگر بخواهیم بیش از شیوه‌های عقلانی با معجزه و امار اینها با مردم سروکار داشته باشیم، اینها مردم را بد بار می‌آورند. مردم هم تقصیری ندارند.»

این اندیشه که هاشمی از آن با دو تعبیر «روشنفکری دینی یا آزاداندیشی دینی» یاد می‌کند از سال ۱۳۶۲ تا ۹۳ بخش بزرگی از فضای ذهن آیت‌الله را گرفته بود و هر روز بیش از پیش بدان می‌اندیشید. وی سر انجام پروژه فکری خود را «آزاداندیشی دینی» نام نهاد. شاید، به این دلیل که بتواند از مناقشه جاری درباب چند و چون «روشنفکری دینی» فاصله بگیرد. آیت‌الله رفسنجانی به تدریج اندیشمندان و محققان همسو با محتوای ایدهٔ خود را پیدا کرد و از مراد ۹۳ عملا به اجرای این اندیشه همت گماشت.

شورای عالی آزاداندیشی دینی

به نظر نگارنده، آزاداندیشی دینی، همان «آواز قوی هاشمی» است که برگ مهمی از کارنامهٔ دههٔ آخر عمر او

<div><div> </div><div>*آزاداندیشی دینی، روشنفکری دینی می‌شد که هر عملی و اقدامی را به محک نظر می‌سنجید و برعکس، با هر ایده‌ای که مواجه می‌شد به چگونگی عملیاتی شدن و ساز و کار اجرای آن می‌اندشید</div></div>

این تمدن و این سجره طیبه که ریشه در اعماق تاریخ و ادیان آسمانی و تمدنهای کهن داشت، شاخ و برگ به سراسر جهان بگستراند و اسلام به عنوان بهترین امانت‌دار تاریخ با جمع‌آوری ارزشهای دینی و انسانی گذشته و تجمیم، پرورش، اصلاح و خالص کردن آن، زمینه رشد و ارتقاء را فراهم نماید و سپس به تدریج انوار آن خورشید تابانک را به سایر اقالم جهان بفرستد.

علی‌رغم همه تشبیه و فرازاها، اسلام همچنان از ابعاد انسانی و معرفتی و جغرافیایی به پیش می‌رود و امروز بیش از یک چهارم نفوس بشر و حدود یک سوم از کشورهای مستقل و ارزشمندترین نقاط ژئوپولیتیک جهان و نزدیک ۲۰ درصد تولید ناخالص کره خاکی را در اختیار دارد. اما پراکنده و گاهی متعارض است و آرزو داشتیم و هنوز داریم با تأسیس دولت اسلامی بر پایه مکتب اهل‌بیت و اسلام ناب در مناسب‌ترین نقطه کره زمین، بار دیگر اسلام نقش واسطه‌امین و امانتداری را در ارتقاء تمدن بشری با چاشنی عرفان و انسانیت قرآن به عهده بگیرد. این مقاله باشرای معرفی راهکاری جهت این هدف مقدس نوشته می‌شود که ان‌شاءالله شروع کار باشد.

علل و عوامل رشد تمدن اسلامی و شروع اوج تمدن غرب و افول تمدن اسلامی

<div><div> </div><div>*آرزو داشتیم و هنوز داریم با تأسیس دولت اسلامی بر پایه مکتب اهل‌بیت و اسلام ناب در مناسب‌ترین نقطه کره زمین، بار دیگر اسلام نقش واسطه‌امین و امانتداری را در ارتقاء تمدن بشر با چاشنی عرفان و انسانیت قرآن به عهده بگیرد</div></div>
--

جمهوری اسلامی

آیت‌الله

بر عقل و تدین؛
۲ – تشویق صاحب‌نظران و فرهیختگان کشور و جهان [اسلام] به آزاداندیشی و ارائه آراء و اندیشه‌ها با رعایت مبانی و اصول اخلاقی اسلام؛

۳ – تلاش برای تقویت زیرساخت‌های علمی و فرهنگی آزاداندیشی و توانمندسازی اشخاص حقیقی و تشکل‌های خصوصی برای آزاداندیشی در همه حوزه‌های علمی و دینی؛

۴ – رصد فرصت‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و تلاش برای شکل‌گیری نظام ملی و شبکه جهانی حلقه‌های آزاداندیشی دینی؛

۵ – تلاش برای رفع موانع و محدودیت‌های

آزاداندیشی در همه زمینه‌های علوم و فنون؛

۶ – تقویت و توسعه ظرفیت‌های علمی کشور در راستای آزاداندیشی و فرایند تولید علم و نظریه‌پردازی؛

اعضای شورای عالی با انتخاب و حکم آیت‌الله هاشمی – رئیس شورای عالی – برای مدت سه سال تعیین شده بودند. بندهای ۳ –۶ تا ماده ۷ آیین‌نامه، به تعیین تکلیف هاشمی رفسنجانی، چهار وظیفه مهم را به عهده شورای عالی نهاده بود. این وظایف که حاکی از افق دید

<div><div> </div><div>* آخرین کار سنجیده و هدفمند افرادی که در زندگی برنامه و هدفی اندیشیده دارند، «آواز قوی» او خوانده می‌شود</div></div>
--

ریاست شورا بود، عبارتند از؛

۳ – تصویب عناوین، اعضاء و برنامه‌های حلقه‌های علمی آزاداندیشی دینی؛

۴ – تصویب تأسیس باشگاه جهانی آزاداندیشی دینی و تعیین ساختار و برنامه‌های آن؛

۵ – تعیین نحوهٔ حمایت از شخصیت‌ها و جریان‌های آزاداندیش پاینده به اخلاق اسلامی و انسانی؛

۶ – تصویب برنامه دوره‌های عالی آموزشی و پژوهشی، به‌منظور نهاده‌نی‌سازی، تقویت و توسعه ظرفیت‌های علمی آزاداندیشی دینی[در] کشور…

خلاصه و نتیجه

چنان که گذشت، شورای عالی آزاداندیشی دینی، آخرین برگ از کارنامه سترگ آیت‌الله هاشمی رفسنجانی است. ایده‌ای مهم و البته تمام‌گه تقدیر زمانه فرصت انجام و اجرای آن را نداد. این اندیشه را از آن روی می‌توان «آواز قوی هاشمی» نامید که آخرین و به نظر نگارنده زیباترین برگ از زندگانی پربار وی را تشکیل می‌دهد. تاریخ انقلاب اسلامی، ایران و تشعب هرگز نمی‌تواند هاشمی و اقدامات او را فراموش کند. آیندگان چه با هاشمی موافق باشند یا مخالف، در اهمیت و اثر کارهای او البته اتفاق نظر خواهند داشت و در چنین وضعیتی، آخرین کار هاشمی شاید تابلویی در معرفی شخصیت چندبُدی او خواهد بود.

هاشمی مرد اندیشه و عمل بود؛ اهمیت کار او این بود که هر عملی و اقدامی را به محک نظر می‌سنجید و برعکس، با هر ایده‌ای که مواجه می‌شد به چگونگی عملیاتی شدن و ساز و کار اجرای آن می‌اندیشید. به تعبیر این خلدون، برای هاشمی؛ «بیان عمل، آغاز اندیشه و پایان اندیشه آغاز عمل» بود. به همین جهت هم طرح ایده «آزاداندیشی دینی» از طرف هاشمی اهمیت بسیار داشت. برخلاف دیگران که ممکن است هزار و یک ایده نو بدون راه حل عملی داشته باشند، هاشمی چنین نبود؛ او اگر اندیشه‌ای را می‌پذیرفت، البته به اجرایی کردن آن می‌اندیشید و البته هم یا راهی می‌یافت و یا راهی می‌ساخت.

هاشمی ایده آزاداندیشی دینی را آگاهانه و باقدرت به سمت اجرا و نهادیگی می‌برد. گزارش کوتاه فوق شاهد این مدعا است. اما افسوس؛ افسوس که او دیر به این مهم همت نمود و باز هم افسوس که تقدیر چنین فرصتی را از او، و مهم‌تر، از جامعه کنونی ایران گرفت. به‌رغم همه این‌ها؛ این که اندیشمند اهل علمی چون هاشمی رفسنجانی، حاصل عمر، و بخش پایانی زندگی خود را به ایده آزاداندیشی دینی اختصاص داده است، برای امروز و آینده جامعه ما، معنی و مفهوم قابل تأملی دارد.

انصاف این تشبیه ناقص است و نکته اصلی و کلیدی را نادیده می‌گیرد. نقش عملکرد ریه در این تشبیه به کلی فراموش شده و نقش جهاز تنذیه و تقویت‌کننده عمداً یا با غفلت اصلا مورد توجه قرار نگرفته است.

اگر انعکاس همان تمدنهای گذشته کافی بود، می‌بایست در زمان طراوت آن تمدنها نقش اصحاب‌انگیزه داشتی باشند و غرب دچار چنهم قرون وسطی نشود. جای تردید نیست که رسالت تعلیم و تزکیه پیغمبر اسلام در این‌جا هم عامل جذب و اقتباس، هم عامل تصفیه و هم عامل تقویت و رشد و کمال و تعالی است که در احکام آموزش، تربیت، تذکر، تفکر، تعقل، استماع نظرات و انتخاب احسن از اصول متقن تمدن‌ساز اسلامی متبلور است. البته اگر درها روی همان باشنه‌های مشخص شده اسلام ناب می‌گشت، سرعت، وسعت و عمق کار اسلام خیلی بیش از اینها بود و با آن همه بادهای مسمومی که از ناحیه خلفای ناصالح اموی و عباسی بر بوستان جدیدالتأسیس اسلام گذشت، بازهم این همه باروری و سایه‌افکنی را مشاهده می‌کنیم و باید منتظر روزی باشیم که اسلام به مسیر خالص و ناب خود برگردد و دفاین عقول و ذخایر الهی را استخراج کند.

فرصت تاریخی

ما آرزو داشتیم و داریم که انقلاب عظیم و اویل اسلامی با زعامت بی‌ظنیرترین رهبر عصرمان، امام خمینی(ره) شروع این تجدید حیات باشد. انقلاب اسلامی بحق یک فرصت تاریخی برای جهان اسلام و بخصوص مکتب اهل‌بیت فراهم آورده که ظرفیتهای تمدن‌سازی و ارتقای بشریت را که در مکتب اسلام نهفته است، به کار بگیرد و اسلام را آن‌گونه که هست، به جهانیان معرفی نماید و بشریت سرخورده از مکتب‌ها و ایسم‌های پُرمشطراط مادی را به سوی سرچشمه سعادت معرفی داند [ره‌انهمایی کند. امروزه ناتوانی و ضعفهای مکتب‌های مادی مثل کاپیتالیسم، کمونیسم ولاتیسم برملا شده و بسیاری از متفکران دلسوز جهان به دنبال گمشده بشر هستند. اگر دیگران نمی‌دانند یا تردید دارند، خودمان می‌دانیم که معارف آسمانی اسلام، بخصوص قرآن و سنت تنها دویعه خالق جهان برای کل بشریت است و باید تا قیام قیامت متکفّل تبیین و حراست‌راه سعادت انسانها باشد. در سایه این ایمان و اعتقاد و با استفاده از درسهای روشن تاریخ و با استمداد از رسول باطن (عقل) می‌توانیم پیشقراول این کاروان باشیم.